

بررسی معنایی، مفهومی و کاربردی احادیث «فضیلت‌مندی زنان زایا و مهربان»

منا خانی^۱

محسن رفعت^۲

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲

چکیده

این جستار به روش کتابخانه‌ای و با هدف واکاوی معنای احادیثی از پیامبر^(ص) در «برتری زنانی که صاحب فرزندان متعدد هستند» انجام شده و با توصیف و تحلیل آیات و روایات، به بررسی مقصود محتمل گوینده پرداخته شده است. ابتدا حدیث «إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوَلُودُ الْوَدُودُ» از میان احادیث مشابه انتخاب شد و پس از حصول اطمینان از اعتبار سندی و متنی آن، معنای لغوی بررسی گردید. با پذیرفتن معنای ظاهری صفت «وَدُود» یعنی تأیید صفت پرفرزندگی در برتری‌بخشی به زنان زایا دو فرضیه در نظر گرفته شد که براساس آن، بیان این کلام به جهت (۱) مصلحت و اقتضای زمان و عصر پیامبر^(ص) بوده یا (۲) حکمی عام و توصیه به امری مطلوب در همه ادوار می‌باشد. در روند تحقیق تعدادی از آیات و برخی از روایات شامل معیارهای اصلی ازدواج و برتری افراد بررسی گردید تا ابهام حاصل از نوع برتری‌بخشی این حدیث که می‌توانست بار منفی آموزشی داشته باشد رفع گردد. یافته‌ها نشان داد که در قرآن کریم تنها صفت متمایزکننده و ملاک برتری افراد چه مرد و چه زن، میزان تقوا و طهارت نفس بوده و در روایات نیز منحصر به یک صفت خاص و مطلق نمی‌باشد؛ لذا این نتیجه به صورت استقرایی حاصل شد که مقصود پیامبر^(ص) از بیان برتری چنین زنانی، تبیین اهمیت موضوع فرزندآوری در بعد اجتماعی آن بوده؛ زیرا در صورت تمایل به تعدد فرزندآوری در جوامع اسلامی، ضمن لحاظ نمودن شرایط آن هم‌چون تربیت، امنیت و معاش فرزندان، تأثیرات مثبت آن از جمله افزایش استحکام خانواده‌ها، پرورش نسل سالم، هوشمند و پایبند به اصول اخلاقی، رشد و شکوفایی فرهنگی و اجتماعی، ترقی و تعالی عموم اقشار و ... در جامعه حاصل خواهد شد؛ لذا احادیث مذکور دستوراتی تعلیمی به روش تشویقی برای مسلمانان در همه سطوح جامعه بوده و مخاطبان آن، تنها مسلمانان عصر رسالت نبوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: برترین زنان؛ فرزندآوری؛ قرآن کریم؛ روایات معصومان^(ع)؛ ملاک برتری.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد نهج البلاغه، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران

M.kh201391@gmail.com

Mohsenrafaat@hmu.ac.ir

۲. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران

مقدمه

در کتاب مقدس مسیحیان باب ۱۹ که در مورد ازدواج و طلاق است، در آیات ۱۱ و ۱۲ تجرد یک موهبت الهی معرفی شده که از سوی خداوند به برخی افراد اعطاء می‌شود و همه نمی‌توانند آنرا بپذیرند (متی، ۱۸۹۵:۳۲)؛ اما دین اسلام به‌عنوان دینی جامع و کامل، نه تنها به تجرد و بریدن از دنیا توصیه نمی‌کند؛ بلکه علاوه بر دعوت به ساده‌زیستی و آخرت‌اندیشی، به زندگی این دنیایی انسان‌ها نیز اهتمام کامل داشته و سرشار از تعالیمی است که تبعیت از آن‌ها موجب سعادت دنیوی می‌گردد. یکی از اموری که به دلیل اثرات سازنده آن در اسلام بسیار مورد توجه قرار گرفته، مسأله ازدواج است. دین اسلام دو رویکرد اساسی در این مورد دارد؛ یکی برطرف کردن موانع و دیگری تشویق به امر ازدواج (پسندیده، ۱۳۹۱:۲۳). برخلاف تصور عوام از اینکه ازدواج یا فرزندآوری موجب سخت‌تر شدن وضع معیشتی می‌شود دین اسلام با وعده به فضل الهی ازدواج و فرزندآوری را موجب نزول رزق و منفعت مادی از جانب پروردگار معرفی می‌نماید (پسندیده، ۱۳۹۱:۲۶). در قرآن به وعده فضل الهی چنین اشاره شده: «شیطان، شما را وعده نیازمندی می‌دهد و به زشت فرمان می‌دهد و خدا از جانب خود وعده آموزش و فروزی به شما می‌دهد و خدا گشایشگری داناست» (بقره، ۲۶۸). و نیز می‌فرماید: «و افراد بی‌همسران و شایستگان از بندگان و کنیزان را به ازدواج در آورید؛ اگر نیازمند باشند، خدا از بخشش خود آنان را توانگر می‌سازد و خدا گشایشگری داناست» (نور، ۳۲). پیامبر^(ص) نیز می‌فرماید: «ازدواج کنید چرا که من روز قیامت به فراوانی شما بر دیگر امت‌ها افتخار می‌کنم» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۲۹۳) و نیز می‌فرماید: «شخص باایمان، نباید از تشکیل خانواده امتناع ورزد؛ [زیرا با این اقدام] امید می‌رود خداوند، فرزندان روزی او گرداند که زمین را با «لا اله الا الله»، گران‌بها سازند» (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۳). در روایتی از امام باقر^(ع) آمده: «زن بگیری که ازدواج کردن روزی شما را بیشتر می‌کند» (حمیری، ۱۴۱۳:۴۰۸). در گروهی دیگر از روایات تأکید بیشتر بر لزوم فرزندآوری است؛ آنجا که پیامبر^(ص) می‌فرماید: «بهترین زنان تان زن زایا و بسیار مهربان است» (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۷)، «از ازدواج با زنان نازا بپرهیزید» (طبرسی، ۱۳۸۰:۱۰۶)، «با زن سیاه‌چهره زایا ازدواج کنید، ولی با زن زیبای نازا ازدواج نکنید» (طبرسی، ۱۳۷۰:۲۰۲).

این دسته از روایات ائمه^(ع) غالباً از لحاظ کاربرد منطوق و مفهوم مورد توجه متعلمین و پژوهندگان حوزه دین قرار می‌گیرند و کمتر از نظر هدف‌گیننده بررسی می‌شوند؛ زیرا وجه

ظاهری و مضمون روایات پیچیدگی و ابهام نداشته، بلکه جنبه تعلیمی و مثبت دارند. اما اگر در ظاهر روایات نیک بنگریم به نکات مبهمی برمی‌خوریم که اگر به‌درستی تبیین نشود، امکان دارد از روایات استفاده نامناسب شده و حتی تأثیر منفی آموزشی داشته باشد. یکی از موضوعاتی که در بررسی این گونه احادیث دیده می‌شود جنبه تفکیک‌کننده آن است؛ بدین معنا که انسان‌ها را رتبه‌بندی می‌نماید. به‌عنوان مثال در حدیث مورد بحث، گروهی از زنان را نسبت به گروهی دیگر برتری داده که این برتری از لحاظ منطقی عقل و قرآن به‌طور کامل مورد تأیید نمی‌باشد و اگر ملاک انتخاب ازدواج در جامعه قرار گیرد، نه تنها به استحکام ازدواج‌ها نمی‌انجامد بلکه موجب تفریق‌افکنی و ظلم به برخی زنان می‌گردد؛ بنابراین مطلب مورد توجه پژوهندگان این تحقیق بررسی معنایی کاربردی این گونه احادیث با در نظر گرفتن هدف‌گوینده از بیان کلام است؛ لذا یک حدیث به‌عنوان نمونه جهت الگوی عملی تحقیق انتخاب گردیده در حالی که نتیجه می‌تواند به سایر احادیث مشابه نیز تعمیم داده شود. در چنین روایاتی این گروه را از سایرین با عبارت «خَيْرُ النِّسَاءِ» متمایز نموده است. مثلاً حاکم در مستدرک به اسناد ابو‌ذینه صدقی آورده است که پیامبر (ص) فرمودند: «خَيْرُ نِسَائِكُمُ الْوَلُودُ الْوَدُودُ الْمُوَاسِيَةُ الْمُوَاتِيَةُ إِذَا اتَّقِينَ اللَّهَ؛ بهترین زنان شما زنان زایا و با محبت و یاور و همدل هستند که تقوا پیشه می‌کنند» (بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۷، ص ۸۱). همچنین در معانی الاخبار چنین نقل شده «ابراهیم کرخی گوید: به امام صادق (ع) گفتم همسرم که همدم خوبی برایم بود مرده است، و تصمیم گرفته‌ام بار دیگر ازدواج کنم، فرمود: دَقْتُ كُنْ جَانَتْ رَا دَر كَجَا مِي نَهِي، و چه کسی را در اندوخته‌ات شریک می‌سازی، و بر دین و راز و امانت آگاه می‌سازی ... و زنان بر سه گونه‌اند: یکی آنکه فرزندآور و با محبت است و همسرش را در زندگی یاری می‌دهد و برای دنیا و آخرتش سودمند است و نمی‌گذارد که او در زندگی متضرر گردد. دیگر آنکه زنی است نازا که نه زیبایی دارد و نه خوش خلقی، و در امور خیر شوهرش را یاری نمی‌دهد، و سومی ...» (ابن بابویه، ۳۱۸:۱۴۰۳) «وَهُنَّ ثَلَاثٌ فَاْمْرَاَةٌ وَاوْدُ وَاوْدُ...» در الخصال از امام صادق (ع) نقل شده که روزی فاطمه (س) در خانه رسول خدا (ص) بودند، عایشه به ایشان در مورد مادرش خدیجه (س) طعنه زده و گفت مادر تو بر ما برتری نداشت و زنی همانند ما بود. وقتی فاطمه (س) پدر را دیدند شروع به گریستن کردند و زمانی که رسول خدا (ص) علت گریه فاطمه (س) را متوجه شدند خشمگین شده رو به عایشه کرده و فرمودند: «فَاِنَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى بَارَكَ فِى الْوَلُوْدِ الْوَدُوْدِ...» (همانا خداوند تبارک و تعالی زنان زایا و مهربان را مبارک گردانید، به‌راستی که خدیجه (س) فرزندی پاکیزه به‌نام عبدالله را برای من به‌دنیا آورد و برایم قاسم، فاطمه، رقیه، ام‌کلثوم

و زینب را نیز به دنیا آورد درحالی که تو کسی هستی که خداوند رحم او را نازا گردانید و برای من فرزندی نیاوردی) (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۰۵). در حدیث دیگری از رسول خدا (ص) آمده: «أَيُّهَا النَّاسُ تَزَوَّجُوا فَإِنِّي مُكَاتِرٌ بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ خَيْرُ النِّسَاءِ الْوَدُودُ الْوَلُودُ» (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۹۱) «ازدواج کنید، من به فزونی شما در روز قیامت بر امت‌ها فخر می‌کنم و بهترین زنان زنی است که با محبت است و بسیار می‌زاید».

با بررسی روایاتی که در آن‌ها صفات ولود و ودود در کنار هم آمده دریافتیم که در بیشتر روایات، صفت زایایی بر مهربانی تقدم دارد. گرچه در روایت اخیر که بیان شد صفت ودود بر ولود مقدم شده؛ اما از آنجایی که تنها در این روایت بدین شکل آمده، به‌علاوه در ادامه حدیث می‌بینیم که پیامبر (ص) به فراوانی امت‌شان در قیامت اشاره می‌فرماید، اینجا نیز تأکید اصلی بر تعدد فرزندآوری است. گرچه مشابه همین روایت در کتب دیگر با همان ترتیب تقدم ولود بر ودود نیز نقل گردیده: «تَزَوَّجُوا السَّوْدَاءَ الْوَلُودَ الْوَدُودَ وَلَا تَتَزَوَّجُوا الْحَسَنَاءَ الْجَمِيلَةَ الْعَاقِرَ فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (با زنان سیاه‌چهره زاینده و مهربان ازدواج نمایید و با زیبارویان نازا ازدواج نکنید؛ زیرا من در قیامت به فراوانی امتم نسبت به سایر امت‌ها مباهات می‌کنم) (راوندی کاشانی، بی‌تا، ص ۱۳)؛ لذا با در نظر گرفتن تقدم و تأخر صفات به جهت تأکید بر اهمیت آن‌ها می‌توان نتیجه گرفت که در این گروه از روایات تأکید کلام بیشتر بر اشاره به صفت باروری بوده و نسبت به حسن و جمال خلقی تأکید بالاتری دارد. به‌علاوه در حدیثی از امام صادق (ع) روایت شده که روزی حضرت ابراهیم (ع) از بد خلقی همسرش ساره به خداوند شکایت کرد، خداوند فرمود زن همچون استخوان کجی است که اگر صافش کنی می‌شکند و اگر او را به حال خود گزاری می‌توانی از او بهره‌مند شوی؛ پس با او مدارا کن (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۱۳). این موضوع منحصرأ در مورد زنان بیان نشده و حتی به زنان نیز توصیه شده با اخلاق بد همسر خود مدارا نمایند. در حدیثی از پیامبر (ص) روایت شده سه طایفه از زن‌ها از عذاب قبر در امانند و با فاطمه (س) محشور می‌شوند؛ زنی که بر غیرت شوهرش صبر کند، زنی که با شوهر بد اخلاق بسازد و زنی که مهریه‌اش را ببخشد (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۷۵). حال با فرض اینکه با توجه به ظاهر روایات و ترتیب کلمات تأکید بر زایابودن را بیشتر از تأکید بر مهربان بودن در نظر بگیریم و هر دو صفت را در یک مرتبه از اهمیت قرار دهیم، باز هم به جهت نوع این صفات با همان ابهام که در چکیده اشاره نمودیم مواجه می‌شویم و نیاز است تا از طریق آیات و سایر روایات در خصوص برتری افراد نسبت به یکدیگر این ابهام مفهومی را رفع نماییم. گرچه مهربانی بسیار مهم است و در صورت

فقدان آن ارزش فرد در نظر جامعه تا حد زیادی تنزل می‌نماید؛ اما چون مهربان بودن یک حسن اخلاقی و ویژگی روحی به حساب می‌آید و نیز قابل اکتساب است و هم‌چنین امکان دارد فرد با هدف ریاکارانه رفتار مهربانانه داشته باشد، می‌توان این صفت را کاملاً در اختیار و انتخاب افراد در نظر گرفت. بنابراین تأکید روایات بر این ویژگی از نظر عقلی و منطقی پذیرفته است؛ اما فرزندآوری یک ویژگی جسمانی است که نبودن آن مانع رشد و تعالی روحی نمی‌گردد و به‌طور کامل نیز تحت اختیار فرد نمی‌باشد زیرا باید شرایطی حاصل گردد تا این ویژگی در صورت وجود ارزشمند باشد. مثلاً اگر تعدد فرزندآوری از طرق نامشروع باشد مورد تأیید شرع و سنت و عرف جامعه اسلامی نیست یا اینکه اگر تعدد فرزندآوری موجب شود والدین به جهت تأمین معاش فرزندان از تربیت آن‌ها غافل شوند، فرزندآوری برای آن‌ها فضیلت محسوب نمی‌شود؛ لذا برخلاف مهربانی که همواره یک فضیلت اخلاقی اختیاری و موجب رشد معنوی و ارتقای اخلاقیات در جامعه است، فزونی فرزند بدون قید و شرط در همه خانواده‌ها نه تنها موجب سعادت و رشد جامعه نیست، بلکه حتماً نتیجه عکس دارد؛ بنابراین برای دستیابی به این ویژگی که عامل برتری معرفی شده باید شرایطی حاصل گردد؛ اول آنکه فرد سلامتی جسمانی داشته باشد و دوم آنکه ازدواج نماید.

در اهمیت جایگاه ازدواج و تولید نسل از ابعاد مختلف فردی و اجتماعی آن تردیدی وجود ندارد و این موضوع هم از بعد عقلانی و هم از جهت غریزی امری کاملاً پذیرفته شده است؛ اما آنچه مورد توجه نویسندگان این مقاله قرار گرفته بررسی این مطلب است که علت تأکید پیامبر (ص) در خصوص برتری بخشی به زنان فرزندآور نسبت به سایر زنان که ممکن است بعضی آن‌ها علی‌رغم ناتوانی در فرزندآوری ویژگی‌های کمالی زیادی داشته باشند چیست و تکلیف آن‌ها که به هر دلیلی مثل نداشتن امکان ازدواج یا مشکلات جسمی از این موهبت محروم هستند چه می‌شود؟ به علاوه اطمینان از حصول این ویژگی پیش از ازدواج تا حد زیادی ناممکن است و هم‌چنین بر فرض الزامی بودن این شرط، ازدواج‌های زیادی به منصفه ظهور نرسیده یا به طلاق منجر خواهد شد؛ لذا این پژوهش با هدف واکاوی تطبیقی کلام پیامبر (ص) جهت تحلیل مقصود ایشان در بیان این برتری بخشی انجام می‌شود. نویسندگان این مقاله در نظر دارند دریابند که براساس این کلام، ویژگی فرزندآوری یا داشتن فرزندان متعدد به تنهایی شرط لازم و کافی برای برتری بر بودن چنین زنانی نسبت به سایرین می‌باشد و در قیاس با کلام الهی در قرآن که مؤلفه‌هایی

به‌عنوان ملاک برتری افراد معرفی نموده، چگونه می‌توان این ملاک را جزء ویژگی‌های الزامی افراد در انتخاب همسر شایسته قرار داد و علت بیان این نوع احادیث از جانب پیامبر^(ص) چیست؟

پیشینه پژوهش

تقریباً در بیشتر مقالاتی که با هدف بررسی فضایل زنان از نظر قرآن و روایات انجام شده یا نقش و جایگاه زنان در خانواده را بررسی نموده‌اند، پژوهش‌هایی که در خصوص موضوع ازدواج و فرزندآوری می‌باشند و هم‌چنین مقالات مقایسه‌ای که در مورد ویژگی‌های زنان و مردان انجام شده، این روایات را به‌عنوان سندی بر تأکید اسلام بر فرزندآوری مورد توجه قرار داده‌اند و تنها از بعد معنای ظاهری آن یعنی ویژگی تناسل و اهمیت باروری به آن پرداخته‌اند. تاکنون هیچ پژوهشی در تحقیق و تبیین مقصود گوینده انجام نشده و در کنار بررسی منطوق به مفهوم کلام و هدف گوینده پرداخته نشده است. تنها در یک مقاله با عنوان «بررسی متنی احادیث ناظر به فضیلت زنان دارای فرزندان بیشتر» (عبداللهی عابد و قدسی، ۱۳۹۹)، به بررسی هدف صدور کلام پرداخته و نتیجتاً هدف از بیان ویژگی ولودبودن زنان را نیاز جامعه به فرزندآوری در زمان صدور کلام معرفی نموده است؛ اینکه پیامبر^(ص) حدیث را در شرایط نیاز به تکثیر امت در مقابل مشرکان و کافران بیان فرمودند؛ لذا هر موقع شرایط مشابه در جامعه اسلامی پیش آید و امکان تولید نسل سالم و مؤمن به‌عنوان لشکر اسلام وجود داشته باشد، مسلماً فرزندآوری فضیلت خواهد بود (عبداللهی عابد و قدسی، ۱۳۹۹). گرچه به عقیده پژوهندگان مقاله حاضر در آنجا نیز به‌نوعی معنای ظاهری کلام از این روایت استنباط شده و بیان صفت «ولودبودن» را از باب نیاز جامعه به تعدد نفرات پذیرفته و برای اثبات این نظر از شواهد تاریخی بهره نبرده؛ لذا این استنباط، اثبات تاریخی یا تحلیلی نشده و چندان مورد وثوق نمی‌باشد، در نتیجه می‌توان گفت نوشتار حاضر اولین بررسی مفهومی کاربردی جهت تبیین دلیل اصلی و هدف پیامبر^(ص) در برتری دادن به گروهی از زنان نسبت به گروهی دیگر از نظر تعدد فرزندآوری می‌باشد.

روش پژوهش

در این مطالعه ابتدا متن حدیث و اسناد آن از طریق غور در کتب معتبر و مرجع شیعی بررسی گردید. پس از اطمینان از اینکه متن سالم و سند متصل به معصوم^(ع) است، معنای عبارت از طریق بررسی واژگان در کتب لغت به‌درستی تبیین شد و ترجمه لفظی مطلوبی حاصل گردید. سپس به

بررسی مفهومی کلام پرداخته شد؛ بدین معنا که در ابتدا مشخص شد مخاطبین کلام چه کسانی هستند و آیا این کلام از لحاظ زمانی و شرایط فرهنگی روزگار کنونی منسوخ شده یا در همه ادوار قابل استفاده و استناد است. این موضوع در غالب دو فرضیه بررسی شد و در نهایت مشخص شد که مخاطبین کلام، عموم مسلمانان در همه ادوار تاریخ می‌باشند. در ادامه، بررسی مفهومی و به جهت رفع ابهامی که در برتری بخشی به زنان زایای پرفرزند در حدیث وجود داشت (این ویژگی یک صفت جسمانی و گاهاً خارج از اختیار و اراده آدمی می‌باشد و نبود آن مانع از ارتقای روحی و معنوی افراد نمی‌شود)، تعدادی از قرائن قرآنی و روایی بررسی و با روایت مورد تحقیق مقایسه شد. در نهایت با استناد به همان قرائن اثبات شد که زایایی و تعدد فرزندان به تنهایی نمی‌تواند عامل برتری یک زن نسبت به دیگر بانوان باشد؛ لذا تبیین این فضیلت و برتری از جانب پیامبر (ص) تنها توصیه‌ای آموزشی به وجه تشویقی بوده که نتیجه حصول آن در هر دوره‌ای از ادوار تاریخ باشد، در ابعاد فرهنگی و اجتماعی مشاهده خواهد شد.

یافته‌ها

۱. گونه‌ها و بسامدهای روایی

۱-۱. متن روایت در اصول کافی:

در این روایت بیش از ده ویژگی مثبت برای بانوان بیان شده که بیشتر خصایص مربوط به همسران موردنظر بوده و جنبه تأهل و زناشویی دارد:

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَجْزُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبِيعٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوَلُودُ الْوَدُودُ الْعَفِيفَةُ الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا الدَّلِيلَةُ مَعَ بَعْضِهَا الْمُتَبَرِّجَةُ مَعَ زَوْجِهَا الْحَصَانُ عَلَى غَيْرِهَا أَلَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَ تُطِيعُ أَمْرَهُ وَ إِذَا خَلَا بِهَا بَدَلْتَ لَهَا مَا يُرِيدُ مِنْهَا وَ لَمْ تَبَدِّلِي كَتَبْتُ لِلرَّجُلِ.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۴)

۱-۲. بررسی حدیث در منابع دیگر:

این روایت علاوه بر اصول کافی در تعدادی از دیگر کتب معتبر حدیثی شیعه از جمله: (۱) من لا یحضره الفقیه (ج ۳، ص ۳۸۹)، (۲) تهذیب الأحکام (ج ۷، ص ۴۰۱)، (۳) روضة الواعظین (ج ۲، ص ۳۷۵)، (۴) مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (ج ۲۰، ص ۱۱)، (۵) وسائل الشیعه (ج ۲۰،

ص ۲۸)، ۶) الوافی (ج ۲۱، ص ۵۷) و ۷) بحار الأنوار، (ج ۱۰۳، ص ۲۳۹) بررسی شده و با اسناد مشابه با اصول کافی در کتاب‌های الوافی، الوسائل و مرآة العقول ذکر شده و معلقاً از حسن بن محبوب در التهذیب و از علی بن رثاب در الفقیه نقل گردیده است.

در تمامی کتب مذکور متن روایت یکسان می‌باشد و تنها چند تفاوت جزئی بین روایت کافی با سایر کتب مشاهده می‌شود؛ شامل آنکه در اصول کافی (۱) حرف جر «من» برخلاف برخی نسخ قبل از خیر النساء نیامده؛ (۲) از فعل «یرید» استفاده شده در حالی که در برخی نسخ از «اراد» استفاده نموده و (۳) برخلاف برخی نسخ از حرف تشبیه «ک» در پایان عبارت استفاده شده است. هیچ یک از این سه تفاوت از لحاظ معنایی تغییری بارزی در متن ایجاد نکرده و به معنای اصلی خدشه وارد نمی‌کند؛ لذا این روایت از نظر بررسی ظاهر کلام مشکل خاصی نداشته و با سایر متون مشابه این حدیث تطبیق دارد و تعارض و تفاوت و تصحیف و تحریفی در آن مشاهده نمی‌شود. به علاوه از آنجایی که تمامی راویان موجود در سند امامی مذهب و مورد وثوق هستند و سند آن اتصال مسند به معصوم^(ع) دارد؛ بنابراین حدیث مذکور از نظر حجیت نیز صحیح بوده و از جهت سند نیز مورد اعتماد می‌باشد.

۲. بررسی واژگانی حدیث «إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوَلُودُ الْوَدُودُ الْعَفِيفَةُ الْعَزِيزَةُ...»

در اینجا به بررسی معنای لغوی و کاربردی واژگان این عبارت به صورت جداگانه می‌پردازیم تا بتوان ترجمه جامع و قابل قبولی برای این عبارت در زبان فارسی بیان نمود و در فهم مقصود گوینده مورد استفاده قرار گیرد.

۱-۲. بررسی واژه «خیر»:

در بیشتر کتب اهل لغت این واژه مخالف واژه «شر» آمده است. تعریفی که راغب ارائه کرده چنین است: «هر چیز دلپسند و مرغوبی است که انسان به سوی آن میل و رغبت می‌نماید؛ مانند عقل، علم، ثروت، حکمت و...». در آیه ۲۶ سوره آل عمران^۱ به معنای اختیار داشتن و توانایی انتخاب آمده: «هر که را خواهی عزت دهی و هر که را خواهی خوار گردانی، اختیار این کارها در دست تو است». اختیار یعنی بین دو چیز یکی را برتری داده و آن را انتخاب نماییم و استخاره نیز بدین جهت از ریشه خیر گرفته شده که از خداوند طلب انتخاب امر بهتر را می‌نماییم؛ زیرا آنچه

۱ «يُدْرِكُ الْخَيْرُ»

که برتر است بیشتر مورد رغبت است. در مفردات خیر دو گونه معرفی شده؛ اول خیر مطلق یعنی چیزی که در هر حال و به نظر هر کس پسندیده و مورد رغبت است و دوم خیر مقید به این معنی که چیزی برای یکی خیر و برای دیگری شر باشد. از نظر قواعد ادبی نیز به دو صورت تقسیم نموده که در معنای این واژه تأثیر گذار است؛ اول آنکه اسم باشد مانند این آیه: «و باید از میان شما، گروهی (مردم را) به سوی نیکی دعوت کنند، و به [کار] پسندیده فرمان دهند»^۱ (آل عمران، ۱۰۴). در اینجا خیر به معنای هر چیز مطلوب و پسندیده و نقطه مقابل شر و بدی است؛ اما در کاربرد ادبی دوم خیر به صورت صفت و در معنی أفعال (صفت تفضیلی) می‌باشد، مثل آیه «هر نشانه‌ای را که تغییر می‌دهیم یا به فراموشی می‌سپاریم، بهتر از آن، یا همانندش را می‌آوریم»^۲ (بقره، ۱۰۶)؛ یعنی نیکوتر از آن می‌آوریم. در اینجا نیز خیر در مقابل ضرر و زیان (به معنای نیکوتر و بهتر) استفاده شده است (راغب‌اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۴۲).

از آنجایی که در متن روایت مورد بحث به فضیلت برخی زنان نسبت به برخی دیگر اشاره شده «فَدَرَكْنَا النِّسَاءَ وَ فَضَّلَ بَعْضُهُنَّ عَلَيَّ بَعْضٌ»؛ لذا در عبارت «إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوَالِدُودُ الْعَفِيفَةُ...» از واژه خیر، معنای لغوی دوم آن استنباط می‌شود یعنی آنچه که ارجح، بهتر و نیکوتر است و نسبت به دیگری فضیلت دارد؛ لذا انتخاب آن دفع ضرر و زیان را در پیش دارد و نباید در اینجا خیر را به معنای مطلق خوبی و نیکی و برتری ذاتی در نظر گرفت؛ لذا می‌توان گفت مقصود پیامبر^(ص) از بیان این حدیث، معرفی برخی ویژگی‌ها برای زنان می‌باشد که موجب برتری بخشیدن به آن‌ها از نظر کیفیت زندگی زناشویی است و نه معرفی برخی زنان که اگر فلان ویژگی‌ها را داشته باشند، ذاتاً افرادی نیکو و مورد پسند خواهند بود.

۲-۲. بررسی واژه «وَلُودٌ»:

«ولود» از ریشه وُلد به معنای فرزند می‌باشد، خواه فرزند انسان باشد یا غیر آن، که هم بر مذکر و هم بر مؤنث دلالت می‌کند؛ به علاوه بر تشبیه و جمع هر دو اطلاق می‌شود. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۴۴). والد به معنی صاحب فرزند و اسم فاعل ولد است و ولود نیز صیغه مبالغه والد بوده و بر کثرت فرزندآوری دلالت دارد و به معنای پرفرزند می‌باشد. تاج العروس، ولود را جمع وُلد و فعل آن را وُلدَ عنوان کرده و به معنای «تولید کردن و فراوان شدن از طریق زاییدن می‌باشد»

۱ «يَدْعُونَ إِلَيَّ الْخَيْرِ»

۲ «تَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا»

(حسینی‌زیبیدی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۳۲۷). در جمهرة اللغة، «امرأة وکود» به معنای پرفرزند آمده (ابن‌درید، ۱۹۸۷، ج ۲، ص ۶۸۲) و در طراز الاول نیز «امرأة وکود» به معنی زنی که فراوان بزاید «تَلِدُ کثیراً» آمده (مدنی، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۳۳۸). از نظر معنای اصطلاحی آن در روضه المتقین دو دلالت برای صفت ولود بیان شده؛ اول، به سن بلوغ جسمی رسیدن و حیض دیدن و دوم، زایمان کردن (فرزندآوری) (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۰۳)؛ با توجه به اینکه این حدیث ذکر همسران می‌باشد، لذا معنای صفت ولود را نمی‌توان بلوغ در نظر گرفت و باید در معنای زایش در نظر گرفت و آن را به کثرت فرزندآوری یا پرفرزندگی ترجمه نمود و اشاره آن بر فعل زایمان کردن به تنهایی نمی‌باشد بلکه با توجه به معنای غالب در کتب لغت مفهوم کثرت و تعدد زاییدن در آن وجود دارد.

۲-۳. بررسی واژه «وَدُود»:

ودود به معنی بسیار مهربان است و محبت و مراعاتی است که خداوند ذاتاً نسبت به بنده‌اش دارد و این صفت برای محبت بندگان به خداوند نیز کاربرد دارد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۳۲). به همین مناسبت در التحقیق آمده: «فیقتضی کمال ذاته و صفاته أن یوَدَّ و یحبَّ کلَّ خیر و یتمایل الی کلِّ إحسان للخلق. فهو الودود المطلق بذاته و بمقتضی صفاته فی کلِّ مورد» (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۱۳، ص ۶۶)؛ یعنی خداوند به اقتضای کمال ذات و صفاتش تمامی خوبی‌ها و نیکی‌ها و انواع احسان را برای خلق دوست می‌دارد و اراده می‌نماید؛ زیرا ذات او مهربان مطلق (نامحدود و بی‌قید و شرط) است و تنها صفت مهربانی از او صادر می‌شود. این واژه از اسمای حسنای الهی به معنای دوست‌دارنده و بامحبت است که تنها در دو آیه از قرآن به کار رفته «[چرا] که پروردگرم مهرورز [و] دوستدار (بندگان) است» (هود، ۹۰) ایضاً «و او بسیار آمرزنده [و] دوستدار (بندگان) است» (بروج، ۱۴). «و أمّا الوُدُودُ: فهو من أسماء الله الحسنى: و بمعنی التمایل الی ما یقتضیه طبعه و علی حسب صفاته الذاتیة الجمالیة.» (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۱۳، ص ۶۵). با توجه به این تعریف، صفت ودودبودن در انسان نیز می‌تواند به معنای تمایل به خیر و خوبی فراوان باشد. کلمه ودود مترادف الحُبِّ و متضاد البُغض می‌باشد (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۵۲). صفت ودود که مترادف محبت باشد، درون خود ارادت و ایثار را نیز دارد؛ ارادت به آنچه انسان آن را دوست می‌دارد و ایثار برای آن چیز موردعلاقه اعم از ناموس، وطن، مقدسات و ... گرچه میزان محبت از صرف ارادت‌داشتن بیشتر است؛ زیرا منجر به جان‌فشانی و ایثار می‌گردد:

«و المَحَبَّةُ أبلغ من الارادة. و الاستِحبابُ: أن يتحرى الإنسان في الشيء أن يحبّه، و اقتضى تعديته بعلی معنی الإیثار» (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۵۲)؛ لذا در ترجمه تحت‌اللفظی آن می‌توان معانی همچون «سخت دوست‌دارنده یا بسیار مهربان و با گذشت» استعمال نمود و در مفهوم آن نیز هر نوع محبت و تمایل و رغبت شدید به‌سوی گفتار و صفات و افعال و امور اخلاقی خیر و نیک را در نظر گرفت که همراه با صبر و گذشت و فداکاری باشد.

۲-۴. بررسی واژه «عَفِيفَةٌ»:

در مفردات راغب در تعریف کلمه العِفَّةُ آمده: «حاصل شدن حالتی برای نفس و جان آدمی که به‌وسیله آن از غلبه و تسلط شهوت جلوگیری می‌شود» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۷۳). مانند آیه ۲۷۳ سوره بقره که به این معنا به کار رفته: «بی‌خبر، آن‌ها را از مناعت‌شان غنی می‌پندارد». همچنین در آیه ۳۳ سوره نور آمده: «آنان که قدرت تزویج ندارند خود نگه‌داری و عفت پیش گیرند تا خدا از کرم خویش، آن‌ها را بی‌نیاز گرداند». در بیشتر کتب لغت عفة به معنای پاکدامنی و خودداری در نظر گرفته شده «الكفُّ عما لا يحلُّ و لا يجُمَلُ». در نهج‌البلاغه نیز در حکمت ۶۸ آمده: «و العَفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ» (تملك نفس و مناعت، زینت فقر است) (شریف‌رضی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۷۹). در روضة المتقین نیز زن عفیفة را زنی صالح و پاکدامن معرفی نموده که زنا نکند، حتی اگر مجرد باشد» (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۰۳)؛ در نتیجه چون این واژه از ریشه «عفف» است و عفة به معنای مناعت است و در شرح آن گفته‌اند که حالت نفسانی است که از غلبه شهوت باز دارد، پس باید عفیف به معنی خودنگه‌دار و با مناعت باشد (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۱۹).

۲-۵. بررسی واژه «عَزِيزَةٌ»:

عزیز کسی است که در اثر نیرومندی، امرش غالب و جاری است و مقهور نمی‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۹۰). قرآن نیز این چنین است؛ لذا عبارت «إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ» (فصلت، ۴۱) یعنی کتابی که کتب آسمانی پیش از آن باطلش نمی‌کنند و بعد از آن نیز کتابی نخواهد آمد که مُبطل آن باشد و نیز هرگز چیزی از آن کم یا بدان اضافه نخواهد شد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۳۷۵). این کلمه مؤنث عزیز است که از اسمای حسنی الهی و به معنی توانا و قادری است که مغلوب نمی‌شود «الَّذِي يَقْهَرُ وَ لَا يُقْهَرُ وَ هُوَ الْقَوِيُّ الْغَالِبُ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ وَ قِيلَ: هُوَ الَّذِي لَا يَسِرُّ كَمَثَلِهِ شَيْءٌ» (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۸، ص ۱۱۴). کلمه عزیز از واژگان معربی است که در فارسی نیز کاربرد دارد؛ اما معنای آن در فارسی با معنای آن در زبان عربی متفاوت است. در فارسی

به معنای شریف، گرامی، گران‌مایه، ارجمند و بزرگوار می‌باشد؛ اما همان‌طور که ذکر شد در زبان عربی به معنی هر چیزی است که مقهور نشود و همواره پیروز و غالب باشد.

۲-۶. بررسی واژه «ذَلِيلَةٌ»:

در مفردات آمده که ذلیل حالتی است بعد از دشواری و سختی و نقطه مقابل صعوبت است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۷). در آیه ۵۴ سوره مائده خداوند می‌فرماید: «در برابر مؤمنان فروتنان، و در برابر کافران سرسخت و قدرتمندند». ذَلِيلَةٌ به معنی پستی و زبونی بعد از چموشی و سرکشی است و از ریشه ذَلَّ به معنی خواری و مخالف بزرگی گرفته شده: «ضد العزِّ» و نیز به معنای رام‌شدن و آرام‌گرفتن است «اللين و هو ضد الصعوبة» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۲).

ذلیل دو کاربرد متفاوت دارد هم می‌تواند بار معنایی منفی داشته باشد؛ یعنی خواری و حقارت و پستی و هم بار معنایی مثبت یعنی فروتنی و خضوع و خشوع. در مصباح الشریعة روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که سجده حقیقی را چنین بیان می‌فرمایند: «سجده کسی که در پیشگاه پروردگار خاضع و ذلیل بوده، و می‌داند که او از خاکی آفریده شده است...» (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۶۵). در مجموع صفت ذلیل اگر در معنای مثبت در نظر گرفته شود در اخلاقیات، ضد سرسختی و به معنای نرمی و خشوع است و در روایت مورد بحث این مقاله، در حقیقت معنای ذلت خواری و پستی نمی‌باشد؛ بلکه به فروتنی، نرم‌خویی و رام‌شدن ملکات نفسانی و اخلاقی در جهت ایجاد آرامش درونی و برونی اشاره دارد.

۲-۷. جمع‌بندی معنای لفظی واژگان:

با توجه به بررسی جداگانه معانی واژگان عبارت «إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوَأْدُودُ الْوَدُودُ الْعَفِيفَةُ الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا الذَّلِيلَةُ مَعَ بَعْلِهَا» می‌توان عبارت را بدین شکل ترجمه نمود: «برترین زنان شما برای همسری زنانی هستند که فراوان فرزند آورند، دوست‌دارنده شما و بسیار بامحبت باشند، پاکدامن و نجیب بوده و در میان خانواده خود و همسر قدرتمند و بانفوذ بوده و در کنار همسر خود فروتن و نرم‌خو باشند».

قطعاً داشتن صفاتی هم‌چون مهربانی و پاکدامنی و فروتنی در برابر همسر از صفات پسندیده‌ای است که از سوی زن در زندگی مشترک لازم و ضروری است، به این جهت که خداوند زنان را برخلاف مردان که به جهت خلقت خلقت سخت‌تری دارند، با روحیات لطیف‌تری آفریده؛ لذا برای دوام زندگی و نرم‌کردن خوی سخت‌مردان، زن باید چنین ویژگی‌هایی داشته باشد؛ گرچه زن در

کنار این فروتنی برای همسرش باید اقتدار و تدبیر کافی در برابر خانواده‌های هر دو طرف داشته باشد تا بتواند با سیاست و نفوذ کلام و رفتار خود، از ورود هر آنچه موجب اختلاف و ازهم‌پاشیدگی زندگی مشترک ایشان می‌شود، جلوگیری نماید.

۳. بررسی مفهومی (غیرلفظی) صفت «ولود»

برخلاف سایر صفات حاضر در روایت، در مورد صفت پرفرزندگی نمی‌توان به معنای لغوی اکتفا نمود؛ زیرا این ویژگی در بسیاری از مواقع امری اختیاری نبوده و ممکن است زن به دلیل مشکلات جسمی قادر به فرزندآوری نباشد. به علاوه فرزندآوری به خودی خود ارزشمند نیست؛ بلکه براساس تعالیم اسلامی تربیت فرزند صالح است که ارزشمند بوده و موجب سعادت دنیوی و اخروی می‌شود. هم‌چنین تعدد توالد اگر از راه مشروع نباشد، نه تنها مورد تأیید اسلام نیست بلکه مورد نهی و انکار آن است؛ لذا این پرسش به وجود می‌آید که مسأله فرزندآوری که در این دست روایات بدان اشاره شده، یک دستور لازم‌الاجرا از جانب آن حضرت می‌باشد و پرهیز از آن مایه نگوهرش است یا هدف دیگری در پشت این تأکیدات وجود دارد.

اکنون با پذیرش معنای لغوی «ولود» در ترجمه عبارت و تأیید معنای تعدد فرزندآوری در برتری بخشیدن به برخی زنان، در مورد سبب صدور این کلام از پیامبر^(ص) می‌توان چنین فرضی در نظر گرفت که کلام پیامبر^(ص) یا به سبب شرایط اجتماعی عصر ایشان صادر شده و منحصر به مردم زمان خودشان بوده یا هدف ایشان از بیان چنین تمایزی، امری متبوع در همه زمان‌ها می‌باشد و منحصر به مخاطبان عصر رسالت نیست.

۳-۱. بررسی فرضیه اول: کلام به جهت نیاز به امر توالد و افزایش تعداد مسلمانان در عصر حیات پیامبر^(ص) صادر شده است.

اگر فرض کنیم مرگ تعداد فراوانی از سپاهیان اسلام در غزوات و جنگ‌ها، موجب شده پیامبر^(ص) به صورت غیرمستقیم و به جهت جایگزینی و افزایش نفرات مسلمانان و تحکیم قوای سپاه اسلام و جامعه این سخن را ایراد فرموده باشند، با در نظر گرفتن لحن سخن که جنبه عمومی دارد و فاقد هرگونه قید زمان و مکان می‌باشد، یا باید در حدیث دیگری ناسخ این سخن بیان شده باشد که چنین حدیثی یافت نشد یا اینکه حکم را کلی و عام در نظر بگیریم که در آن صورت با توجه به دلایل ذیل، عمومیت حکم قابل رد و انکار است:

اولاً در زمان‌های دیگر که نیازی به این امر نیست و جامعه سطوحی از ثبات و آرامش را تجربه می‌نماید، افزایش بی‌رویه جمعیت در سطح رفاه خانواده‌ها و جامعه تأثیرات معکوس و منفی خواهد داشت؛

ثانیاً این امری نیست که پیش از ازدواج بتوان از حصول آن اطمینان یافت و به‌طور مطلق نیز در اختیار انسان نبوده و از اموری است که خداوند با اراده و براساس حکمت خود برخی افراد را از آن محروم می‌نماید؛

ثالثاً اگر هدف پیامبر^(ص) را صرفاً جهت تشویق به فرزندآوری در نظر بگیریم، با بررسی شرایط فرهنگی و اجتماعی آن زمان مشاهده می‌شود که آنان به‌دلیل علاقه زیاد به توالد و تناسل و گسترش قبیله، به این امر روی می‌آوردند. البته شرایط اقلیمی و جغرافیایی عربستان و تشدید قوای جنسی مردان، جنگ‌ها و مرگ‌ومیر مردان و بی‌سرپرست ماندن زنان و دیگر عوامل، در گرایش مردان به تعدد همسر و فرزندآوری بی‌تأثیر نبوده است (فاضلی، ۱۳۸۴) و مهم‌تر اینکه برخلاف عصر حاضر که علوم پزشکی و تربیتی به داشتن فرزند کمتر توصیه می‌نماید، در آن زمان نه ابزار کنترل جمعیت و جلوگیری از فرزندآوری وجود داشته و نه فرهنگ کنترل جمعیت؛ لذا احتمال اینکه پیامبر^(ص) صرفاً از بابت ازدیاد جمعیت این سخن را بیان فرموده باشند و مخاطب ایشان، اعراب عصر ایشان بوده باشد بسیار ضعیف است؛ لذا هدف ایشان تنها اشاره به فرزندآوری به مردم آن روزگار نبوده و به همین دلایل فرضیه اول قابل رد است.

۳-۲. بررسی فرضیه دوم: هدف ایشان از بیان چنین تمایزی امری متبوع در همه زمان‌ها می‌باشد و منحصر به مخاطبان عصر رسالت نیست.

فرض دیگری که می‌توان در نظر گرفت، این است که حضرت با هدف راهنمایی و روشننگری این کلام را بیان فرموده باشند؛ یعنی برای مؤمنین ملاک‌های انتخاب همسر مناسب را معرفی نمودند و این یک توصیه اخلاقی براساس دانش الهی و شناخت ویژگی‌های بشر از جانب ایشان به تمامی مؤمنین در همه اعصار بوده است و صرفاً به مخاطبان ایشان در آن عصر محدود نمی‌شود؛ لذا کلام پیامبر^(ص) را می‌توان بیانی تعلیمی به‌صورت غیرمستقیم در نظر گرفت. با فرض پذیرش این نظر باز به ابهام مفهومی اولیه بازمی‌گردیم که آیا برتری بخشی به زنان پرفرزند، با مبانی قرآن و سنت تطبیق دارد و به‌طور مطلق مورد تأیید آن منابع دینی می‌باشد و اینکه آیا هدف پیامبر^(ص) تعلیم اشخاص و افراد جامعه در امر انتخاب همسر مناسب بوده است یا مقصود ایشان چیزی فراتر از

توصیه به امر فرزندآوری و بیان ویژگی همسران است. برای دستیابی به پاسخ این سؤال به بررسی و مقایسه معنایی کاربردی این روایت با آیات قرآن و سایر احادیث می‌پردازیم.

۴. بررسی روایات: رابطه ولودبودن با برتری زنان براساس روایات معصومان^(ع)

با بررسی احادیث رویکردهای مختلفی برای ازدواج و تشکیل خانواده مشاهده می‌شود مانند رویکرد جنسی، رویکرد تداوم نسل و رویکرد مشارکت در زندگی. به‌طور کلی آنچه که در ترغیب به ازدواج از سوی دین بیشتر مورد توجه قرار گرفته، بر دو محور همسران و فرزندان استوار است که اساس آن در بعد همسران «سکونت و آرامش» و در بعد فرزندان «تولید نسل توحیدی» می‌باشد و البته این دو محور، از منظر دینی جدا از یکدیگر نیستند و دیدگاه دین در حوزه ازدواج دیدگاهی دو مؤلفه‌ای است و براساس آن، خانواده قداست الهی دارد و بستر آرامش و توحید خواهد بود (پسندیده، ۱۳۹۱: ۵۶). پیامبر^(ص) مؤمنان را به ازدواجی توصیه می‌نماید که ملاک آن سنت باشد: «هر که دوست دارد از سنت من پیروی کند، ازدواج نماید؛ همانا ازدواج از سنت‌های من است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۹). قطعاً سنت پیامبر^(ص) امری زمینی و تنها براساس ارضای امیال غریزی نمی‌باشد و علاوه بر ابعاد جسمی به ابعاد روحانی ازدواج نیز توجه شده است. در روایت «خیر النساء الولود الودود...» نیز هم به ویژگی‌های همسران توجه شده و هم جنبه فرزندآوری مورد توجه قرار گرفته است. از بعد انتخاب همسر بر ویژگی‌ها و صفات نیکوی اخلاقی که زمینه‌ساز زندگی آرام و ایمانی است تأکید شده که از منظر آیات و روایات مورد تأیید و تصدیق می‌باشد و روایات فراوانی در خصوص بیان ویژگی‌های اخلاقی در انتخاب همسر از ائمه^(ع) وارد شده که همگی مهر تأییدی بر این واقعیت است که برای انتخاب همسر باید شرایطی احراز شود و شروطی مدنظر قرار گیرد.

۴-۱. توجه به شرط «سلامت جسمانی» همسر:

یکی از آن شروط سلامت جسمانی، فرزندآوری است؛ زیرا در روایات متعددی مشاهده می‌شود که به ازدواج با زنان زایا امر نموده گرچه آن زن زشت باشد و از ازدواج با زنان نازا نهی می‌نماید ولو اینکه آن زن نازا صاحب جمال و زیبایی باشد: «با زنان سیاه‌چهره زایا و مهربان [السَّوْدَاءُ الْوَلُودُ] ازدواج کنید ولی با زیاروی عقیم ازدواج نکنید» (راوندی کاشانی، بی‌تا، ص ۱۳). نیز از پیامبر^(ص) نقل شده که فرمودند: «زن زشت ترش روی [شَوْهَاءُ وَوَلُودٌ] که می‌زاید بهتر است از

زن زیبای نازا» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۰۲). در اصول کافی نیز روایت شده: «با دوشیزه زایا [بِکْرًا وَکُوْدًا] ازدواج کنید و با زیاروی عقیم ازدواج نکنید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۳۳).

۴-۲. توجه به معیارها و شروط اخلاقی، تربیتی و معنوی همسر:

گروه دیگری از روایات که تعداد آنها اندک نیست بر ویژگی‌هایی تأکید دارند که جسمانی نبوده و شامل جنبه‌های روحی و تربیتی است. در اینجا تعدادی از این گروه روایات به‌عنوان نمونه بیان شده است:

الف) پیامبر (ص) فرمودند: پنج چیز عامل سعادت است: زن صالح، فرزندان نیکو، دوستان نیکو داشتن، رزق را در شهر خود جستن و دوستی آل محمد (ص) در دل داشتن (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۹۵). اگر نیک بنگریم متوجه ارتباط معنادار این عوامل با یکدیگر می‌شویم. اول آنکه داشتن همسر نیکو است که موجب تربیت فرزندان نیکو می‌شود؛ ثانیاً بهترین شرایط برای یک مرد آن است که در شهر و دیار خود و در کنار خانواده خود به کسب روزی حلال پردازد و از آن‌ها دور نباشد؛ ثالثاً اگر فرد دوستان صالح و با ایمانی داشته باشد همواره اطمینان خاطر دارد که اگر روزی به جهتی از همسر و فرزندان خود دور شده، آن‌ها بی‌یاور نمی‌مانند و در نهایت اگر فردی دوستی و محبت اهل بیت (ع) را در دل داشته باشد، همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی او با آن بزرگواران همسو شده؛ لذا در انتخاب همسر و تربیت فرزندان و انتخاب دوست و هم‌نشین خود و خانواده‌اش و نیز نوع رزق و لقمه‌ای که به آن‌ها می‌دهد از ایشان پیروی نموده و قطعاً هم خوشبختی و آرامش دنیایی دارد و هم به سعادت اخروی دست می‌یابد.

ب) پیامبر (ص) فرمودند: هرگاه کسی با خانمی صاحب جمال ازدواج کند و انگیزه ازدواج با او فقط زیبایی و جمال باشد، از وجود او شادمانی نخواهد دید، و هر کس با خانمی صاحب مال ازدواج کند و انگیزه ازدواج با او فقط مال و منال باشد، خداوند مقدرات او را به مال همسرش حوالت خواهد کرد. بر شما باد به ازدواج با خانم‌های صاحب دیانت (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۹۹). در این روایت مؤمنین را نهی می‌فرماید از اینکه تنها برای امور دنیایی و غریزی از جمله زیبایی و ثروت همسر با او ازدواج نمایند و به ایشان توصیه می‌نمایند که ملاک ازدواج باید میزان دین‌داری و تقوای فرد باشد؛ زیرا فرد دین‌دار همواره برای اعمال و کردار خود ملاحظاتی براساس معیارهای دین دارد و با برنامه ایمانی به معاشرت با اطرافیان خود از جمله همسر و فرزندان

می‌پردازد و از برکات وجود همسر متدین، تربیت فرزندان نیکو و برقراری آرامش در زندگی است.

پ) در روایتی از امیرمؤمنان علی^(ع) آمده که از حضرت فاطمه^(س) پرسیدند: که بهترین زنان کدامند؟ ایشان فرمودند آنان که مردان را نبینند (یعنی معاشرت و مصاحبت غیرضروری با نامحرمان نداشته باشند) (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۳۳). در کلام حضرت فاطمه^(س) توصیه به حیا و عفت و پاکدامنی زنان ملاحظه می‌شود. مادامی که در زندگی پاکدامنی باشد، بی‌اعتمادی از آن خانواده رخت برمی‌بندد و آرامش در بستر حیا و خودنگهداری زوجین زاییده می‌شود و نتیجه چنین روابطی نیز ختم به تربیت فرزندانی با روان سالم و آرام می‌گردد.

ت) امیرمؤمنان^(ع) فرمودند: با زنان نادان ازدواج نکنید؛ زیرا گفتارشان بلا و فرزندشان ضایع و خراب می‌باشد (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۲۹۴). بیان این ویژگی‌ها در کلام امیرمؤمنان^(ع) توصیه به ازدواج با زنان هوشمند و دانا و زیرک در اداره امور زندگی است و با توجه به اینکه وظیفه اصلی تربیت فرزندان با مادر خانواده می‌باشد؛ لذا اگر مادر نادان باشد در بستر این خانواده نیز فرزندانی ضعیف و ناتوان در بعد فردی و اجتماعی بار خواهند آمد، به همین دلیل در روایتی از امام صادق^(ع) آمده که فرمودند: «برای مردی که کم‌خرد است همسر بگیرد ولی برای زن کم‌خرد همسر نگیرد، زیرا مرد کم‌خرد امید عاقل شدن او هست به خلاف زن کم‌خرد» (کلینی، ۴۰۷۱، ج ۵، ص ۳۵۴).

ث) امام صادق^(ع) می‌فرمایند: بهترین زنان شما کسی است که خوشبو باشد و غذای نیکو بپزد، و هنگامی که چیزی انفاق می‌نماید، به نیکی انفاق کند، و آن‌گاه که دست از انفاق نگه می‌دارد به‌طور شایسته دست نگه دارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۵). اشاره این حدیث نیز ویژگی‌های اخلاقی، تربیتی و خانوادگی هم‌چون آراستگی و نظافت، توانایی رسیدگی به امور منزل و داشتن عقل اقتصادی می‌باشد.

ج) امام صادق^(ع) می‌فرمایند: از برکات زن کمی مخارج او و آسان زاییدن اوست.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۶۴). در این روایت نیز ایشان دو ویژگی کم‌خرج‌بودن (اسراف‌کار و متوقع‌نبودن) و آسان وضع حمل کردن (فرزندآوری) را ملاک انتخاب زنان برای ازدواج معرفی نموده‌اند.

چ) امیرمؤمنان علی^(ع) فرمود: بهترین زنان شما پنج دسته‌اند. گفتند آن پنج دسته کدامند؟ حضرت فرمود: زنان ساده و بی‌آلایش، زنان دل‌رحم و خوش‌خو، زنان هم‌دل و همراه، زنی که

چون شوهرش به خشم آید تا او را خشنود نسازد، خواب به چشمش نیاید و زنی که در نبود شوهرش از او دفاع کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۵). پنج ویژگی که حضرت در این روایت اشاره می‌فرمایند همگی اشاره به سجایای اخلاقی نیکو و تربیت صحیح داشتن است. اگر زنی در بستر خانواده‌ای دین‌دار و ایمانی پرورش یافته باشد، در زندگی با همسر خود سخت‌گیر نبوده و با سادگی و مهربانی و درک شرایط همسر خود با او زندگی می‌کند و از دلجویی کردن هنگام دلخوری ابایی نخواهد داشت؛ زیرا ملاک او در زندگی دین‌داری و آرامش است. به همین دلیل است که در احادیث آمده مهریه کم از برکات همسر است (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۷). برخی برکت را به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد و ... که غالباً انسان با فقدان آن‌ها مورد آزمایش قرار می‌گیرد معرفی می‌نمایند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۲۰۱). درحقیقت برکت زن نسل سالم و ثابت و پایدار است که به وسیله او از همسرش باقی می‌ماند (کثرت فرزندان که نسل به نسل از فرزندان او به دنیا می‌آیند)؛ لذا مهریه که بعد مادی و دنیایی دارد چیزی فانی است و ثابت و پایدار نمی‌باشد بنابراین این زیاده مهریه موجب برکت (به معنای ثبات زناشویی) نیست.

۵. بررسی آیات: آیات بیانگر ملاک‌های برتری افراد از یکدیگر

۱-۵. آسیه و مریم؛ زنان برگزیده:

در حدیثی از پیامبر^(ص) به نقل از ابن عباس آمده که برترین زنان بهشت چهار تن می‌باشند: خدیجه دختر خویلد، فاطمه^(س) دختر رسول خدا^(ص)، مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم و همسر فرعون (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۹۹). این بانوان از سه دین توحیدی اسلام، مسیحیت و یهودیت هستند. گرچه ادیان مسیحیت و یهودیت تا حد زیادی به اعتقادات اسلام باور ندارند؛ اما مسلمانان با توجه به تأیید و تصدیق قرآن، به برخی اعتقادات سایر ادیان الهی که در قرآن و روایات بدان‌ها اشاره شده باور دارند و پیامبران و کتب آسمانی پیش از اسلام را رد نمی‌کنند؛ لذا همان‌طور که به حضرت فاطمه^(س) به عنوان برترین زنان عالم باور دارند، طبق آیات ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم، آسیه و مریم^(س) را نیز به عنوان بانوانی که برگزیده‌اند و الگوی مؤمنین معرفی شده‌اند، می‌پذیرند. نکته قابل توجه اینجاست که هیچ کدام از این دو بانو به طریق اسباب جاری عالم صاحب فرزند نشده‌اند؛ مریم^(س) مادر حضرت عیسی^(ع) به اذن خداوند و بدون آنکه با مردی ازدواج نماید صاحب فرزند شده و آسیه^(س) نیز مادر خوانده حضرت موسی^(ع) می‌باشد. همان‌طور

که در آیه ۴۲ سوره آل عمران ملاحظه می‌شود، خداوند حضرت مریم^(س) را بر سایر زنان عالم در همه زمان‌ها برتری داده و ایشان را بنا بر حکمت و اراده خود پاک و طاهر گردانیده است. آنچه که از سیاق آیه هویدا است، در آیه عمومیت وجود دارد و مقید به قید زمان و روزگار مریم^(س) نمی‌باشد. در آیه ۴۷ همین سوره آمده: «(مریم) گفت: پروردگارا! چگونه برای من فرزندی خواهد بود، درحالی که بشری با من تماس نگرفته است» که اشاره دارد به عدم ازدواج این بانو؛ لذا اینکه ولودبودن شرط لازم و کافی برای برگزیده و نیکو بودن زنان باشد به این طریق قابل رد و انکار است. آسیه همسر فرعون نیز که در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم به همراه مریم^(س) به عنوان الگویی برای مؤمنین معرفی شده، فرزند نداشته و از داشتن شرط ولودبودن به عنوان یک زن محروم است؛ اما این نقص مانع از برتری این دو بانوی گرامی نشده و خداوند ایشان را الگویی برای مؤمنین عالم در همه زمان‌ها معرفی نموده و می‌فرماید: «و خدا برای کسانی که ایمان آورده‌اند مثلی زده است، زن فرعون هنگامی که گفت: پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خود در بهشت بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات بخش و مرا از گروه ستمکاران نجات ده!» و (نیز) مریم دختر عمران که دامان (عفتش) را حفظ کرد، و از روح خویش در او دمیدیم، و کلمات پروردگار خویش و کتاب‌هایش را تأیید کرد و از فرمان‌برداران [فروتن] بود». خداوند علت تمثیل این دو بانو را مرتبه و درجه عبودیت آن‌ها بیان می‌کند؛ بنابراین علت برتری آن‌ها مرتبه یقین و بندگی شان است. این مطلب در دعای آسیه^(س) قابل مشاهده است؛ آنجا که می‌گوید «خداوند در بهشت خانه‌ای نزد خود برای من بساز» که نشان می‌دهد این بانو در پی رضوان الهی بوده و در خصوص مریم^(س) نیز قرآن به تصدیق «کلمات الهی» توسط آن بانو اشاره می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۳۴۵). برخی مفسران «کلمات الهی» را تعبیر به وحی الهی کرده‌اند که نشان از مرتبه بالای ایمانی آن بانو دارد (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲۸، ص ۱۶۴). برخی مانند جرجانی، علت مثال زدن این دو بانو را اشاره به دو آیه از قرآن بیان می‌کند: اول آیه ۱۸ سوره فاطر «و هیچ باربرداری بار سنگین (گناه) دیگری را بر نمی‌دارد» و دوم آیه ۳۹ سوره نجم «و اینکه برای انسان جز کوشش او نیست» (جرجانی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۶۵۰) و این اشاره ثابت می‌کند رسیدن به مرتبه بالای معنوی یا برتری افراد، تنها از طریق تلاش آن‌ها به دست می‌آید و برتری یک گروه بر گروهی دیگر امری ذاتی نیست.

۵-۲. عدم تفاخر به مواهب دنیایی:

در آیه ۳۷ سوره سبا نیز آنچه که موجب سعادت و قرب الهی معرفی شده و ملاک خوبی و برتری است، ایمان به خداوند و عمل صالح است نه اندوختن مال زیاد یا فراوانی فرزندان «و اموال شما و فرزندان تان چیزی نیست که شما را نزد ما کاملاً نزدیک سازد، جز کسانی که ایمان آورده و [کار] شایسته انجام داده باشند، پس آنان به خاطر کردارشان برای شان پاداش دوچندان است، و آنان در جایگاه‌های (بلند بهشتی) در امنیتند». گرچه داشتن مال و فرزند در برابر اعمال ما تأخر ارزشی ندارد؛ اما این نعمت‌ها نیز از مواهبی است که خداوند در زندگی دنیایی به انسان‌ها عطا کرده و اگر از آن به درستی بهره ببرند، موجب سعادت و خوشحالی دنیایی آن‌ها می‌شود. هم‌چنین اگر آن نعمت‌ها را در جهت قرب الهی و انجام اعمال مورد رضایت خداوند صرف نمایند موجب سعادت اخروی نیز می‌گردد: «ثروت و پسران، زیور زندگی پست (دنیا) است؛ و (کارهای) ماندگار شایسته نزد پروردگارت، از نظر پاداش بهتر و امیدبخش‌تر است» (۴۶، کهف)، «و شما را با اموال و پسران مدد رساند و برای شما باغ‌هایی قرار دهد و برای شما نهرهایی قرار دهد» (۱۲، نوح). همان‌طور که در آیه ۱۲ سوره نوح ملاحظه می‌شود، خداوند اموال و فرزندان را نوعی امداد و یاری‌رساندن به انسان‌ها در زندگی دنیا معرفی نموده؛ اما در آیات قرآن، صرف داشتن فرزند هرگز ملاک برتری و نیکویی اشخاص چه مرد و چه زن معرفی نشده و حتی برعکس، خداوند در پاسخ به مشرکانی که به کثرت اموال و فرزندان‌شان مباحثات می‌کنند و می‌گویند «ما اموال و فرزندان بیشتری داریم، و ما عذاب نخواهیم شد» (۳۵، سبا)، استدلال می‌نماید که امت‌هایی که پیش از شما بودند بعضاً مال و قدرت و فرزند بیشتری نیز داشتند؛ ولی با این همه از مرگ در امان نماندند و این متاع چند روزه دنیا فقط جنبه سرگرمی و فریب داشته و شما نیز مانند آن‌ها فریب کثرت مال و فرزند خود را خورده و به مدت کوتاهی در این دنیا از آن بهره‌مند و متلذذ می‌شوید؛ اما در آخرت به مجازات اعمال زشت خود خواهید رسید (۶۹، توبه).

۵-۳. انحصار قدرت تولد و مرگ به خداوند متعال:

«یا آنان را پسران و دختران جفت می‌دهد؛ و هر کس را بخواهد نازا قرار می‌دهد؛ [چرا] که او دانای تواناست» (۵۰، شوری). در این آیه خداوند جنسیت فرزند و حتی توانایی بر فرزندآوری را به‌طور مطلق به اراده و خواست خود منحصر کرده و از اختیار انسان‌ها خارج می‌کند؛ لذا به قرینه آیه استدلال می‌شود که فرزندآوری نمی‌تواند از شروط اصلی برتری یک فرد باشد؛ گرچه این

امتیازی است که خداوند تنها به زنان عطا فرموده و بدین وسیله بخشی از صفت خالقیت را در وجود آن‌ها قرار داده که برای زنان مایه مباهات است؛ اما از آنجایی که این ویژگی به طور مطلق در اختیار زنان نبوده و چه بسا زنانی که امکان باروری ندارند از آن محروم می‌باشند؛ لذا احادیثی که در آن‌ها زنان زایا با صفت «خَيْرُ النِّسَاءِ» معرفی شده‌اند، نمی‌توانند دلالتی بر فضیلت ذاتی این گروه از زنان باشد.

۴-۵. ویژگی‌های برتری انسان‌ها بر یکدیگر:

«ای مردم! در واقع ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را نژادها و قبیله‌هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ درحقیقت ارجمندترین شما نزد خدا، خودنگهدارترین (و پارساترین) شماست؛ به راستی که خدا دانای آگاه است» (حجرات، آیه ۱۳). با توجه به آیه فوق، ملاک برتری انسان‌ها فقط میزان تقوا و طهارت نفس آن‌هاست. در اثبات آن می‌توان به آیه ۵ سوره تحریم نیز اشاره کرد که خداوند در این آیه به زنان پیامبر^(ص) هشدار می‌دهد که اگر با اعمال و رفتارشان موجب رنجش خاطر رسول خدا^(ص) شوند، خداوند به جای ایشان همسرانی بهتر و نیکوتر به حضرت عطا می‌فرماید: «امید است که اگر شما را طلاق دهد، پروردگارش همسرانی بهتر از شما برای او جایگزین کند، (زنانی) مسلمان، مؤمن، فرمان‌بردار [فروتن]، توبه‌کار، پرستش‌گر، روزه‌دار، بیوه و دوشیزه.» ویژگی‌هایی که در این آیه برای همسران نیکو که شایسته ازدواج با پیامبر^(ص) باشند ذکر شده، در نگاه کلی شامل ویژگی ایمانی است و شامل جمال ظاهری و حسن اخلاقی نمی‌شود، گرچه به استناد عقل می‌توان گفت شخصی که صفات مذکور در آیه را داشته باشد، قطعاً محسنات دیگر اخلاقی مانند راست‌گویی، پاک‌دامنی، مهربانی و سایر صفات نیکوی اخلاقی را نیز خواهد داشت؛ ولی از اینکه در آیه اشاره مستقیم به آن ویژگی‌های خاص اخلاقی ننموده، می‌توان نتیجه گرفت که آن‌ها در اولویت نبوده و به قول معروف چون که صد آمد نود هم پیش اوست؛ یعنی کسی که به خداوند و روز قیامت ایمان داشته باشد، هرگز گرد گناه نمی‌گردد و همواره تلاش می‌کند خود را با معیارهای اخلاق اسلامی منطبق گرداند. علامه طباطبایی در تفسیر آیه فوق چنین می‌فرماید: «این آیه بی‌نیازی خدا را خاطر نشان ساخته، می‌فرماید: هر چند شما به شرف زوجیت رسول خدا^(ص) مشرف شده‌اید، لیکن کرامت نزد خدا به این حرف‌ها نیست، بلکه تنها به تقوی است و بس؛ هم‌چنان که در جای دیگر نیز فرموده: «خدا برای نیکوکاران از شما، پاداش بزرگی آماده ساخته است» (احزاب، ۲۹)؛ یعنی خدای تعالی اگر برای شما زنان پیامبر

اجر عظیم مهیا ساخته، برای این نیست که همسر او بید، بلکه برای این است که نیکوکاری؛ پس هر یک از شما که نیکوکار نباشد، نزد خدا پاداشی ندارد» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۰۵). در آیه ۲۶ سوره نور نیز پاکی و طهارت را به طور عام (چه ظاهری و چه باطنی)، خصلت نیکو و معیار اصلی ازدواج و انتخاب همسر معرفی نموده و به مؤمنین توصیه می کند با افراد پاک ازدواج نمایند: «زنان پلید از آن مردان پلیدند، و مردان پلید از آن زنان پلیدند؛ و زنان پاک (نیکو)، از آن مردان پاک (نیکوی) هستند، و مردان پاک (نیکو) از آن زنان پاک (نیکوی)! آنان از آنچه می گویند، برکنارند و برای آنان آمرزش و روزی ارجمندی است» (نور، ۲۶). در اینجا نیز شرط انتخاب همسر در درجه اول پاک بودن و طهارت اوست که قطعاً در این بیان کلی شروط زیادی نهفته است اما اینکه به بیان صفت پاک بودن و آلوده نبودن اکتفا نموده، بدین معناست که اولاً، صفات دیگر اخلاقی در مراتب پایین تر اهمیت قرار داشته و به تنهایی شرط لازم و کافی نیکویی و برتری نمی باشند و ثانیاً، ملاک اصلی برای انتخاب و برگزیدن همسر - چه زن و چه مرد ایمان - اوست.

بحث

هر کدام از روایاتی که به عنوان نمونه ذکر شد، برخی از صفات زنان نیکو را معرفی می کنند که هیچ یک نسخ سایر روایات و متعارض در معنا با دیگری نمی باشد، بلکه بیشتر جنبه تکمیلی داشته و نشان می دهد برای فهم معنای عبارت «خَيْرُ النِّسَاءِ...» از دیدگاه سنت، نمی توان به یک حدیث اکتفا نمود و تنها یک جنبه را در نظر گرفت؛ زیرا خوبی و بدی دو ماهیت نسبی هستند که با توجه به شرایط و نیاز فرد و جامعه امکان تغییر در آن ها وجود دارد؛ لذا چیزی که در یک زمان و مکان معیار خوبی است، در جایی دیگر با توجه به شرایط ممکن است نکوهیده باشد، بنابراین مجموع این خصایل و سجایای نیکو باید با هم ملاک و مورد توجه قرار بگیرد. به عنوان مثال در صورتی که خانمی متخلّق به خلق بسیار مهربان (ودود) هم نباشد، بعضاً می تواند شایسته ازدواج باشد و نمی توان او را از دایره زنان نیکو برای انتخاب زوجیت حذف نمود؛ زیرا اولاً، این ویژگی قابل اکتساب است و در صورت صبر و عطوفت و رفتار نیکوی زوج، این اخلاق به مرور در همسر او نیز نهادینه می گردد و ثانیاً، شرط بنیادی زندگی مشترک نیست؛ چه بسا بانوانی که گرچه خیلی مهربان نیستند ولی در زندگی مشترک توانایی ها و مهارت های دیگری داشته که به واسطه آن ها بتوانند بنیان خانواده را حفظ نمایند؛ ولی در مقابل بانوانی هم هستند که بسیار مهربان بوده ولی مهارت و هنر کافی برای حفظ پایه های زندگی زناشویی و خانوادگی را ندارند و گاهی متأسفانه از

محبت آن‌ها سوءاستفاده می‌گردد یا ممکن است در مواردی به دلیل اخلاق ناپسند همسر یا خانواده یا هر شخص نزدیک دیگری، از او تأثیر گرفته و پس از ازدواج تغییر رویه و اخلاق در او شکل بگیرد؛ به همین دلیل در روایتی از امام صادق (ع) آمده «با زنان اهل شک ازدواج کنید ولی به مرد شکاک دختر ندهید؛ زیرا زن از اخلاق شوهرش پیروی می‌کند و شوهر او را به دین خود وامی‌دارد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۴۹)؛ بدین جهت که مرد از جوهری نسبت به زن کنترل و تأثیر دارد که در قرآن نیز اشاره شده «مردان بر زنان قیومت و سرپرستی دارند، به‌خاطر اینکه خدا بعضی را بر بعضی برتری داده است» (نساء، ۳۴).

اما در بعد فرزندآوری باید روایت را دقیق‌تر بررسی نماییم و با مقایسه مضامین مشابه در آیات و روایات، به هدف اصلی پیامبر (ص) در برتری دادن زنان پرفرزند آگاهی یابیم؛ زیرا همان‌طور که پیش از این اشاره شد، برخلاف ویژگی‌های اخلاقی و تربیتی، فرزندآوری امری مطلق و اختیاری تام نیست و ضمن ایجاد مقدمات و شرایطی حاصل می‌گردد و به‌علاوه، همه زنان نسبت به دست‌یافتن به این صفت، در یک مرتبه نیستند.

با توجه به دلایل قرآنی بیان‌شده، پذیرفتن آنکه زنان پرفرزند ذاتاً و به‌طور مطلق از سایر زنان برتر باشند، کاملاً مردود می‌باشد؛ زیرا تناقض این‌گونه روایات با آیات قرآن قابل توجیه نیست. چگونه می‌توانیم بپذیریم که خداوند متعال در آیات قرآن صراحتاً اعلام می‌دارد که ملاک برتری انسان‌ها بر یکدیگر داشتن ایمان، تقوا و عمل صالح است و از طرفی در مورد پیامبر (ص) نیز می‌فرماید که ایشان هرگز براساس خواست و میل خود سخن نمی‌گویند (نجم، ۳) و هر آنچه بیان می‌فرماید از طرف خداوند است؛ ولی کلامی از ایشان صادر شده باشد که برخلاف کلام خداوند در قرآن باشد و گروهی از انسان‌ها را بر گروهی دیگر برتری دهد در حالی که در آیات قرآن این موضوع با صراحت بیان نشده و این ویژگی یک فضیلت نیست، بلکه یک نعمت از جانب پروردگار است و اگر کسی بدان مغرور شود، مورد غضب الهی قرار می‌گیرد. این امر و مباحثات به‌فرونی آن نه تنها مورد تأیید نیست، بلکه موردانکار خداوند نیز می‌باشد: «بدانید که زندگی پست (دنیا)، بازی و سرگرمی و زیور و فخرفروشی در میان شما و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است، همانند مثال بارانی که گیاهانش کشاورزان را به شگفت آورد، سپس خشک می‌گردد؛ پس آنرا زرد می‌بینی؛ سپس درهم شکسته می‌شود و در آخرت عذابی شدید و آمرزشی از جانب خدا و خشنودی (او) است و زندگی پست (دنیا) جز کالای فریبنده نیست» (حدید، ۲۰)

نتیجه گیری

در این پژوهش به بررسی توصیفی - تحلیلی عبارت «خَيْرُ النِّسَاءِ الْوَكُودُ الْوَكُودُ» در روایتی از پیامبر^(ص) پرداخته شد که در معنای ظاهری خود به برتری زنان پرفرزند و مهربان اشاره دارد. در ابتدا با بررسی واژگانی معنا دریافتیم که این حدیث در دو مبحث موضوعیت دارد:

۱. ویژگی های اخلاقی همسران
 ۲. ویژگی تعدد فرزندآوری زنان که موجب برتری آنان معرفی شده است.
- درخصوص شماره ۱، آیات و روایاتی بیان شد که جای تردید نمی گذارند که صفات مذکور در این روایت، اشاره اخلاقی تربیتی از جانب پیامبر^(ص) بوده و تحقق آنها شرط لازم و کافی ازدواج نیست؛ بلکه شروط فرعی هستند که در زیرمجموعه ایمان و تقوا قرار داشته و بدون در نظر گرفتن بعد ایمانی و به خودی خود ارزشمند نمی باشند، زیرا موجب تربیت نسل توحیدی نمی گردد.

درخصوص مورد شماره ۲ نیز با توجه به الف) اشارات قرآنی به دو بانوی برگزیده؛ ب) آیاتی که اموال و اولاد و تفاخر و تکاثر به آنرا غرور و فریب معرفی می نمایند؛ ج) آیاتی که به خالقیت انحصاری خداوند اشاره دارد و د) ویژگی های انسان های برتر و مطلوب از منظر آیات، دریافتیم که مقصود پیامبر^(ص) نمی تواند صرفاً معنای ظاهری آن باشد. در صورتی که هدف بیان عبارت را همان معنای ظاهری آن یعنی تعدد فرزندان در نظر بگیریم، دو فرضیه ایجاد می شود که عبارتند از:

۱. آنکه هدف توصیه و تشویق به افزایش جمعیت مسلمانان به جهت نیاز زمانی و مکانی عصر ایشان بوده باشد که با توجه به دلایل تاریخی - فرهنگی و شرایط اجتماعی آن زمان این احتمال را بعید دانستیم؛
۲. آنکه حضرت نه به هدف تشویق به فرزندآوری براساس ضرورت جامعه آن روز، بلکه با هدف توصیه اخلاقی به جهت تقویت و تحکیم بنیان خانواده ها و بازخوردهای اجتماعی آن در اعصار مختلف، این کلام را ایراد فرمودند؛ زیرا یکی از مهم ترین دلایل رشد و بالندگی جامعه، تشکیل خانواده های سالم و شاد می باشد؛ چون اولاً اگر زوجین پس از ایمان و تقوای الهی در زندگی، متخلق به اخلاق نیکو و صفات پسندیده ای از قبیل مهربانی، گذشت و مدارا و ... باشند و دوماً با همان اخلاق ایمانی برای دوام جوامع و جلوگیری از پیری جمعیت و کسب پیشرفت های مختلف اقدام به تولید نسل سالم و تربیت

آن نمایند، جامعه اسلامی روندی روبه‌رشد و مترقی خواهد داشت. گرچه این رشد اجتماعی نیز مشروط به تربیت نسل توحیدی براساس معیارهای قرآن و سنت می‌باشد و تعدد فرزندان به خودی خود فضیلت نبوده و آنچه مهم است توانایی و مهارت تربیت فرزندان با تقوا و دین‌دار می‌باشد.

پس نتیجتاً این فرض که کلام پیامبر (ص) نوعی توصیه اخلاقی و اختیاری برای عموم افراد در همه ادوار بوده است قابل پذیرش است؛ زیرا هم با آیات قرآن قابل انطباق است و هم با سایر احادیث باب فضیلت زنان و ازدواج مطابقت دارد؛ لذا توصیه به باروری و ایجاد شرایط مناسب از لحاظ فرهنگی و اقتصادی همواره باید سرلوحه کار حکومت‌های اسلامی قرار گیرد تا زوجین امکان داشتن فرزندان متعدد را بیابند؛ زیرا تأثیرات مثبت این امر مستقیماً در جامعه مشاهده خواهد شد و موجب رشد و بالندگی خانواده‌ها، جامعه و در پی آن حکومت‌ها خواهد شد.

منابع

- ابن‌ابی‌جمهور، محمدبن‌زین‌الدین (۱۴۰۵ ق)، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، تصحیح مجتبی عراقی، ۳، ۱، قم: دارسیدالشهداء.
- ابن‌بابویه، محمدبن‌علی (۱۳۶۲ ق)، *الخصال*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، ۲، ۱، قم: جامعه مدرسین.
- ابن‌بابویه، محمدبن‌علی (۱۳۶۲ ق)، *الخصال*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، ۲، ۲، قم: جامعه مدرسین.
- ابن‌بابویه، محمدبن‌علی، (۱۴۱۳ ق)، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، ۳، ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن‌بابویه، محمدبن‌علی (۱۴۰۳ ق)، *معانی الاخبار*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، ۱، ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن‌حیون، نعمان‌بن‌محمد مغربی (۱۳۸۵ ق)، *دعائم الاسلام*، تصحیح آصف فیضی، ۲، ۲، قم: موسسه آل‌البیت (علیهم السلام).
- ابن‌درید، محمدبن‌حسن (۱۹۸۷ م)، *جمهره اللغة*، ۲، ۱، محقق و مقدمه نویس بعلبکی، رمزی، بیروت: دارالعلم.
- ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*، تصحیح جمال‌الدین میردامادی، ۵، ۳، بیروت: دارالفکر - دارصادر.
- آوسی، محمودبن‌عبدالله (۱۴۱۵ ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، محقق علی عبدالباری عطیه، ۱، ۲۸، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بیهقی، احمدبن‌حسین (۱۴۲۴ ق)، *السنن الکبری*، محقق عبدالقادر محمدعطا، ۷، ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- پسندیده، عباس، (۱۳۹۱ ش)، *رضایت از زناشویی*، ۱، ۱، قم: مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحديث.
- جعفربن‌محمد (منسوب به امام صادق (علیه‌السلام) (۱۴۰۰ ق)، *مصباح الشریعة*، ۴، ۱، بیروت: اعلمی.

- جرجانی، عبدالقاهرین عبدالرحمن، (۱۴۳۰ ق)، درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم، تصحیح محمد ادیب شکور، ۱، ۲، اردن: دارالفکر.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح علی هلالی و علی سیری، ۱، ۵، بیروت: دارالفکر.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۳ ق)، قرب الاسناد، ۱، ۱، قم: موسسه آل‌البیته (علیهم‌السلام).
- دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، ارشاد القلوب الی الصواب (للدیلمی)، ۱، ۱، قم: الشریف الرضی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴ ش)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، مترجم غلامرضا خسروی، ۱، ۲، تهران: مرتضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴ ش)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، مترجم غلامرضا خسروی، ۲، ۲، تهران: مرتضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴ ش)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، مترجم غلامرضا خسروی، ۴، ۲، تهران: مرتضوی.
- راوندی کاشانی، فضل‌الله بن علی، (بی‌تا)، النوادر (لراوندی)، ۱، ۱، تصحیح احمد صادقی اردستانی، قم: دارالکتاب.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق)، نهج البلاغه، صبحی صالح، ۱، ۱، قم: دارالهجره.
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۹۰ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ۸، ۲، بیروت: مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۹۰ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۶، ۲، بیروت: مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۹۰ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۹، ۲، بیروت: مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰ ش)، مکارم الأخلاق، ۱، ۴، قم: الشریف الرضی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۸۰ ش)، الآداب الدینیة للخزانة المعینیة (عربی - فارسی)، مترجم احمد عابدی، ۱، ۱، قم: زائر.
- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۷ ق)، تهذیب الاحکام، تصحیح حسن الموسوی خراسانی، ۷، ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عبداللهی عابد، صمد؛ قدسی، مینا (۱۳۹۹)، بررسی متنی احادیث ناظر به فضیلت زنان دارای فرزندان بیشتر، دو فصل‌نامه علمی حدیث پژوهی، بهار و تابستان، شماره ۲۳.
- فاضلی، مهسا (۱۳۸۴)، مواجهه قرآن با فرهنگ‌های عصر نزول، مجله پژوهش‌های قرآنی، تابستان و پاییز، شماره ۴۲ و ۴۳.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ ش)، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، ۳، ۶، تهران: دارالکتب اسلامیه.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ ش)، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، ۵، ۶، تهران: دارالکتب اسلامیه.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ ش)، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، ۷، ۶، تهران: دارالکتب اسلامیه.
- کبیر مدنی شیرازی، سیدعلی خان بن احمد، (۱۳۸۴ ش)، الطراز الأول و الكنز لما علیه من لغة العرب المعول، سیدعلی خان بن احمد، ۶، ۱، مشهد: مؤسسه آل‌البیته (علیهم‌السلام).

کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، **الكافی**، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، ۴، ۵، تهران: دارالکتب
الإسلامیة.

متی (حواری حضرت عیسی (علیه السلام))، (۱۸۹۵ م)، ترجمه فارسی عهد جدید، مترجم روبرت بروس، ۱، ۱، لندن:
BFBJ.

مجلسی، محمدتقی، (۱۴۰۶ ق)، **روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه**، محقق حسین موسوی کرمانی و
اشتهاردی علی‌پناه، ۳، ۲، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانیور.

مصطفوی، حسن، (۱۴۱۶ ق)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، ۲، ۴، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مصطفوی، حسن، (۱۴۱۶ ق)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، ۲، ۸، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مصطفوی، حسن، (۱۴۱۶ ق)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، ۲، ۱۳، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مفید، محمدبن محمد، (۱۴۱۳ ق)، **الإختصاص**، محقق علی‌اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، ۱، ۱، قم: المؤتمر
العالمی لالیفیه الشیخ المفید.



A Semantic, Conceptual, Practical Study of the Hadiths of the Virtue of Fertile and Kind Women

Mona Khani¹
Mohsen Rafat²

This research has been done in a library method with the aim of analyzing the meaning of hadiths from the Prophet (PBUH) in "The superiority of women who have more children". The title of the study is "The superiority of women who are kind and prolific" among simrddh. And for ensuring the authenticity of the document and its text, the lexical meaning was examined. By examining the meaning of the word "prolific" as having more children. In the superiority of fertile women, two hypotheses were considered that According to them the expression of this word had been for: 1. the expediency of the time and era of the prophet(PBUH) or 2. a general rule and recommendation for a desirable action in all periods. In the process of research a number of verses and some narrations Including the main criteria of marriage and superiority of individuals were examined to remove the ambiguity resulting from the superiority of this hadith which could have had a negative educational burden. The findings showed that The only distinguishing feature and criterion of superiority of men and women in the holy Quran was the degree of piety and self-purification and In narrations, it is not limited to any specific and absolute adjective. So This result was inductively obtained that the issue of childbearing in its social dimension had been the intention of the Prophet (PBUH) to express the superiority of such women. Because tendency to have more children in Islamic societies, while considering its conditions such as education, security and livelihood of them, will affect positively on Increasing the strength of families, raising a healthy and intelligent generation adhering to moral principles, cultural and social growth and prosperity, progress and excellence of the generation and .. so the above mentioned hadiths could be Inevitable instruction for Muslims at all levels of society and Its audience was not only Muslims of the Prophet's time.

Keywords: The Best Women, Childbearing, the Holy Quran, the Narrations of the Infallible (AS), the Criterion of Superiority

-
1. MA in NahjolBalagheh, Department of Quranic Science Department and Hadith, Hazrat Masoume University
 2. Assistant Professor, Hazrat Masoume University